

Quran and Hadith Studies

Bi-quarterly Journal of Quran and Hadith Studies, Research Article,

Vol. 15, No. 2, (Serial. 30), Summer 2022

<https://qhs.journals.isu.ac.ir>

Evaluation of Hadith by "List Analysis" Method: Views and Basics

DOI: 10.30497/qhs.2021.241215.3340

https://qhs.journals.isu.ac.ir/article_76067.html

Seyed Reza Shirazi *
Mahmood Maleki **

Received: 20/06/2021

Accepted: 25/10/2021

Abstract

List analysis is one of the new methods in validating hadith, which is one of the initiatives of Ayatollah Seyyed Ahmad Madadi. For more than a decade, scientific writings have been presented to explain list analysis. But in these writings, this qualitative-quantitative method in evaluating the hadith has been reduced or increased. In this descriptive-analytical article, the two interpretations presented in these writings are reported, presented, reviewed and critiqued. In the first impression, the ultimate goal is to analyze the list of reconstructions of old hadith books, and the validation of the hadith is one of its side benefits. In the second interpretation, the analysis of a list is equal to the source of the narration, and the validity of the hadith is equal to the validity of the source in which it is mentioned. From the point of view of this article, list analysis is a method in validating a hadith in which locating and finding the source is part of it. List analysis is based on the fact that most of the Shiite narrations have been quoted in the context of the text, and therefore validation should be based on the evaluation of the text, and tools appropriate to this type of evaluation should be used, which are the most important tools in the lists.

Keywords: *Hadith Reconstruction, Bibliographic Analysis, Case Study, Hadith Evaluation, Rajali Validation.*

* Assistant Professor, Research Center for Islamic Studies, Islamic Research Foundation, Astan Quds Razavi, Mashhad, Iran. (Corresponding Author) srshirazi@islamic-rf.ir

** Assistant Professor, Research Center for Islamic Studies, Islamic Research Foundation, Astan Quds Razavi, Mashhad, Iran. Mahmood_maleki@islamic-rf.ir

دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال ۱۵، شماره ۲، پیاپی ۳۰،

بهار و تابستان ۱۴۰۱، صص ۲۵-۵۶

مقاله علمی - پژوهشی

ارزیابی حدیث به روش «تحلیل فهرستی»: دیدگاه‌ها و مبانی

DOI: 10.30497/qhs.2021.241215.3340

https://qhs.journals.isu.ac.ir/article_76077.html

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۴

مقاله برای اصلاح به مدت ۱۷ روز نزد نویسندگان بوده است.

سیدرضا شیرازی*

محمود ملکی**

چکیده

تحلیل فهرستی یکی از روش‌های نوین در اعتبارسنجی حدیث است که از ابتکارات آیت‌الله سید احمد مددی است. بیش از یک دهه است که نگاه‌های علمی در تبیین تحلیل فهرستی ارائه شده است. اما در اکثر نوشته‌ها، این روش کیفی - کمی در ارزیابی حدیث، فروکاسته یا فرافزوده شده است. در این مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی است، دو دیدگاه ارائه شده در این نوشتارها گزارش، ارائه، بررسی و نقد می‌شود. در دیدگاه اول، هدف نهایی تحلیل فهرستی بازسازی کتاب‌های حدیثی قدیمی مفقود است، و اعتبارسنجی حدیث از فواید جانبی آن است. در دیدگاه دوم، تحلیل فهرستی با منبع‌یابی روایت مساوی است و اعتبار حدیث با اعتبار منبعی برابر است که حدیث در آن آمده است. بنا بر دیدگاه این مقاله، تحلیل فهرستی روشی در ارزیابی حدیث است که منبع‌یابی و یافتن اعتبار منبع، بخشی از آن است. تحلیل فهرستی بر این اساس است که اغلب روایات شیعه در بستر نوشتار نقل شده است؛ بنابراین باید اعتبارسنجی آن نیز بر اساس ارزیابی نوشتار باشد و از ابزارهای متناسب با این نوع ارزیابی استفاده شود که مهم‌ترین ابزار موجود، فهرست‌ها هستند.

واژگان کلیدی

بازسازی حدیث، تحلیل کتابشناسی، موردکاوی، ارزیابی حدیث، اعتبارسنجی رجالی.

* استادیار پژوهشکده علوم اسلامی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)

rs Shirazi@islamic-rf.ir

** استادیار پژوهشکده علوم اسلامی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ایران.

Mahmood_maleki@islamic-rf.ir

طرح مسئله

محدثان برای ارزیابی روایات روش‌های متعددی مانند ارزیابی سندی، نقد متن حدیث و... دارند. روش‌های مرسوم ارزیابی حدیث با وجود تمام مزایا، با مشکلاتی مانند عدم اعتبار مقدار قابل اعتنایی از احادیث کتاب‌های روایی درجه یک مانند کتب اربعه روبرو هستند. این روش‌ها همچنین از کاستی‌هایی رنج می‌برند؛ به سبب همین کاستی‌هاست که در دانش‌های فقه و اصول هر از گاهی مباحثی چون انجبار سند با عمل مشهور یا انکسار آن با اعراض مشهور طرح می‌شود. ابداع روش‌های جدید پژوهش یکی از مهم‌ترین عوامل رشد دانش است. یکی از راه‌های ابتکاری ارزیابی حدیث که آیت‌الله سید احمد مددی ارائه داده‌اند، «تحلیل فهرستی» است. این روش دارای قابلیت‌هایی است که دامنه و توان ارزیابی روایات را گسترش می‌دهد.

لازم به ذکر است که به‌جای اصطلاح «تحلیل فهرستی» اصطلاح‌های: «تحلیل کتابشناختی»، «بحث فهرستی»، «شیوه یا مسلک فهرستی»، «روش فهرستی» و «تبیین فهرستی» به ترتیب توسط آقایان عمادی حائری، خدامیان، ملکیان، میرزایی و فولادزاده به کاررفته است. برخی از پژوهشگران نامبرده و در برخی مقالات اصطلاحات خود را به آیت‌الله مددی منتسب کرده‌اند (ر.ک: فولادزاده، ۱۳۹۸، ص ۸؛ صفا، ۱۳۹۹، ص ۲۱۳)، اما بنا به گفتگوی نگارنده با آیت‌الله مددی و پرسش صریح از ایشان، نامی که ایشان بر این روش می‌نهد «تحلیل فهرستی» است.

با وجود این‌که مقالات، پایان‌نامه‌ها و کتاب‌های قابل توجهی در تبیین تحلیل فهرستی نگاشته، مصاحبه‌های گوناگونی با آیت‌الله مددی انجام و نشست‌های علمی متعددی برگزار شده؛ اما به دلایلی مانند نگاه کانالیزه به موضوع، دیدگاه فروکاهشی بدان، تبیین مبهم و دشواری ذاتی بحث و... این روش به‌گونه‌ای بایسته و شایسته، تبیین نشده است.

در این مقاله ابتدا خلاصه‌ی نوشته‌های پیش‌گفته به‌صورت دو دیدگاه از سخنان آیت‌الله مددی دسته‌بندی، گزارش، بررسی و نقد شده، سپس دیدگاه سوم و مختار ارائه شده است. دیدگاه مختار از استخراج پرمشقت نمونه‌های عینی تحلیل‌های فهرستی از درس‌های خارج آیت‌الله مددی و فراتحلیل آنها و انطباق قیاسی نتایج فراتحلیل با توضیحات پراکنده‌ی ایشان درباره‌ی تحلیل فهرستی به دست آمده است. منشأ این مشقت، پراکندگی و تکرار مطالب، اختلاط با موضوعات مختلف دیگر (اجتهادی، فقه‌ای، اصولی، نحوی، لغوی، تاریخی و...)، تطبیق با منابع و یافتن استناد برخی مطالب و... بوده است (همسان با: عمادی حائری، ۱۳۸۸، ص ۷۷). بدیهی است که جهت روایی دیدگاه مختار، اضافه بر استناد به سخنان مبتکر روش، توضیحاتی برای مباحث مبهم ارائه و مکمل‌هایی برای نقاط کور روش ابراز شود.

۱. پیشینه‌ی تحقیق

نگاشته‌هایی که درباره تحلیل فهرستی وجود دارد به شرح زیر است:
اولین پژوهش علمی با نگاشت مقاله‌ای با عنوان «نقد حدیث: کتابشناسی و متن‌پژوهی» منتشر شد (عمادی حائری، ۱۳۸۴). این مقاله در فصل‌های دوم و سوم و بخش کوتاهی از فصل چهارم، باب اول کتاب «بازسازی متون کهن حدیث شیعه» (عمادی حائری، ۱۳۸۸) بسط داده شد. در این دو پژوهش، تحلیل کتابشناسی از منظر بازسازی کتب حدیث شیعه واکاوی شده است.

همچنین در فصل اول کتاب «آداب امیرالمؤمنین (علیه السلام)» (خدامیان آرانی، ۱۳۸۵)، محقق کتاب به مباحثی درباره‌ی مبانی تحلیل فهرستی مانند چگونگی تدوین حدیث، روش قدمای اصحاب در آن، پیدایش فهرست‌ها، علم فهرست و شهرت کتاب‌های قدمای اصحاب پرداخته است. در دیگر کتاب‌های این پژوهش گر مانند: «الصحيح في فضل الزيارة الرضوية» (۱۴۳۰)، «الصحيح في فضل الزيارة الحسينية» (۱۴۳۲ الف)، «الصحيح في البكاء الحسيني» (۱۴۳۲ اب) و جلد اول «فهارس الشيعة» (۱۳۸۹)، مطالب با اندک تفاوتی تکرار شده است.

مجموعه نوشتارها و مصاحبه‌های آیت‌الله مددی در جلد اول کتاب «نگاهی به دریا» (مددی، ۱۳۹۳) گردآوری شده است. بخش دوم این کتاب با موضوع «کتاب‌شناسی» و بخش سوم آن با موضوع «مباحث حدیثی و فهرستی» می‌باشد. در این کتاب و نوشته‌های دیگر، مطالبی را در ارتباط با تحلیل فهرستی به صورت پراکنده می‌توان یافت.

در پایان‌نامه‌ی سطح چهار حوزه‌ی علمیه قم با عنوان «اعتبارسنجی روایات شیعه بر پایه ارزیابی منابع مکتوب (تا قرن پنجم هجری)» (سرخئی، ۱۳۹۴) پس از بررسی نقش منابع مکتوب در انتقال تراث حدیثی شیعه و رویکرد قدما و متأخران در اعتبارسنجی به روش اعتبارسنجی منابع و پیامدهای اعتبارسنجی کتاب‌محور پرداخته شده است. در مقدمه‌ی تصحیح جدید رجال نجاشی (ملکیان، ۱۳۹۴)، محقق کتاب مباحثی درباره فهرست‌های شیعه، مسلک قدما در عمل به روایات، نقش فهرست‌ها در آن و برخی قرائن و مبانی مسلک فهرستی سخنانی ارائه داده است. این محقق، همچنین یادداشت‌هایی در کانال تلگرامی خود به نام «دراسات فی مبانی علم الرجال» درباره تحلیل فهرستی منتشر کرده است (ملکیان، بی‌تا).

در مقاله‌ی «اعتبارسنجی احادیث به روش «تحلیل فهرستی» کاربردها و خصائص» (عزیزپور، ۱۳۹۷) به تاریخچه ظهور فهارس، مباحث مطرح شده در فهارس، بررسی دو فهرست نجاشی و طوسی، تاریخچه تحلیل فهرستی، تغییر سیر تحلیل فهرستی به رجالی، تفاوت تحلیل فهرستی و رجالی و فواید تحلیل فهرستی پرداخته شده است.

در کتاب «بررسی روایات به روش فهرستی» نیز تلاش شده بررسی فهرستی روایت به صورت مرحله‌ای ارائه شود (میرزایی، ۱۳۹۷). نتیجه‌ی پایان‌نامه سطح چهار حوزه علمیه قم با عنوان: «مطالعه نقدی تبیین فهرستی در اعتبارسنجی احادیث»، عدم پذیرش رویکرد مبالغه‌آمیز نظریه‌ی «تبیین فهرستی» در حل و فصل معضلات موجود در مباحث اعتبارسنجی است. البته بی‌نیاز بودن کتب مشهور در نزد قدما، از بررسی و ارزیابی طریق به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دست‌آوردهای این نظریه پذیرفته شده است (فولادزاده، ۱۳۹۸).

در مقاله‌ی «نظریه تحلیل فهرستی احادیث؛ چیستی و ابهامات» که برگرفته از پایان‌نامه‌ی دکترای با عنوان «نقد و بررسی نظریه‌ی تحلیل فهرستی» است، نویسندگان تلاش کرده‌اند با گردآوری، دسته‌بندی و تحلیل دیدگاه‌های طرفداران نظریه، تقریری جامع از تحلیل فهرستی ارائه دهند. عدم رجوع مستقیم به ارزیابی‌های انجام شده به روش تحلیل فهرستی توسط مبتکر این نظریه و برخورد با واسطه با موضوع که به درک ناقص و کانالیزه از تحلیل فهرستی سبب شده، ضعف عمده‌ی این مقاله است (صفاریان همدانی، ۱۳۹۹).

همچنین باید توجه داشت که بر روش تحلیل فهرستی نقدهایی نیز وارد شده است (حب‌الله، ۲۰۱۷، ج ۲، ص ۸۱-۱۲۵؛ انصاری، بی‌تا) که مشکل عمده‌ی اغلب پژوهش‌های فوق، عدم دیدگاه صحیح از تحلیل فهرستی است. مهم‌ترین منابع موجود جهت کشف و توصیف این روش اعتبارسنجی حدیث، آثار صوتی آیت‌الله مددی و تقریرات نوشتاری درس‌های ایشان است که در پایگاه اینترنتی بارگذاری شده است.

نمایش نقاط ضعف دیدگاه‌های موجود از تحلیل فهرستی، ارائه‌ی تقریر جدیدی از تحلیل فهرستی، بیان ویژگی‌ها و مبانی پایه‌ی آن، ذکر سازوکار اجرایی و پاسخ به ابهام‌های مطرح شده در پژوهش‌های پیشین، وجه نوآوری این مقاله به شمار می‌رود.

۲. پیشینه‌ی روش تحلیل فهرستی

روش تحلیل فهرستی از ابتکارات آیت‌الله سید احمد مددی می‌باشد. در برخی نقل‌ها، آیت‌الله مددی شیوه‌ی فهرستی را به قدما نسبت داده و خود را احیاگر آن دانسته‌اند (مددی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۳۶۱؛ عمادی حائری، ۱۳۸۸، ص ۱۲۲). البته منظور ایشان از قدما، برخی مانند ابن الولید و نجاشی است (نگاه مخالف نک به: صفاریان همدانی، ۱۳۹۹، ص ۲۵۳)؛ چرا که ایشان روش‌های دیگری را برای قدما در ارزیابی احادیث مانند تحلیل رجالی و تحلیل مشایخی ذکر می‌کنند (مددی، خارج فقه ۱۳۹۵/۸/۱۰، عمادی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۷). از این رو، مراد آیت‌الله مددی

از نسبت دادن شیوه‌ی فهرستی به قدما، نقد و بررسی نوشتارمحور روایات است و نه روش ارزیابی تحلیل فهرستی.

توضیح مطلب اینکه، یکی از مبانی تحلیل فهرستی نوشتاری بودن بستر انتقال حدیث در تاریخ شیعه است. بدین جهت قدما حدیث مکتوب را به روش‌های مختلف ارزیابی می‌کردند. اساس یکی از روش‌های ارزیابی قدما با تحلیل فهرستی یکسان است. به‌عنوان مثال مستثنیات ابن ولید برخی از رجال نوادر الحکمه بر اساس روش فهرستی است (مددی، خارج فقه ۸۵-۸۶، جلسه ۷). آنچه را می‌توان به قدمای شیعه در اغلب موارد نسبت داد ارزیابی حدیث نوشتاری است، نه این‌که قدمای شیعه روش واحدی در ارزیابی حدیث داشته، آن هم تحلیل فهرستی بوده است.

۳. مفهوم‌شناسی

مباحث نو به‌طور معمول با ادبیات جدید و اصطلاحات تازه همراه هستند. از آنجایی که این اصطلاحات معنایی متفاوت با کاربردهای قبلی دارند، به جهت جلوگیری از سوءبرداشت و مغالطه‌ی مشترک لفظی به اختصار برخی مفاهیم شناسانده می‌شوند:

۳-۱. تحلیل

«در آثار منطقی از دو گونه تحلیل سخن به میان آمده است: تحلیل حدود و تحلیل قضایا. در تحلیل حدود، مفهومی را که در صدد تعریف آن هستیم، مفروض می‌گیریم و آن‌گاه، از راه تأمل در جنسی که این مفهوم بدان تعلق دارد و تفاوت‌ها و اشتراکاتش با دیگر انواعی که تحت آن جنس قرار می‌گیرند، ذاتیات آن را جست‌وجو می‌کنیم. تحلیل در قضایا، عبارت است از رسیدن از نتایج برهان به مقدمات آن» (معصومی همدانی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۶۳۶-۶۳۷).

مراد از «تحلیل» یا «آنالیز» در ترکیب «تحلیل فهرستی» معنایی عام است و شامل استدلال و استظهار می‌شود. مراد از تحلیل «مجموعه‌ای از کارهای فکری، عینی، اجتماعی، روان‌شناختی و امور دیگر است و معنایی وسیع‌تر از حرکت فکری و مانند آن دارد» (مددی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۳۵۲). بنابراین تحلیل در ترکیب فقط تجزیه نیست؛ بلکه ترکیب قضایا و خلق فرضیه‌ها و نظریه‌های جدید را هم دربرمی‌گیرد.

۲-۳. فهرست

«فهرست» در لغت به «راهنمای کتاب که در آن فصل‌ها و موضوعات کتاب و صفحات مربوط به آنها در آن نوشته است» یا «صورت اسامی چیزی» (معین، ۱۳۵۳) گفته می‌شود، اما در حدیث پژوهی به نوعی کتاب که به هدف خاصی تألیف شده، گفته می‌شود. کتاب‌های فهرست با هدف شمارش نویسندگان تألیف شده‌اند. در ضمن چگونگی دستیابی مؤلف فهرست بدان کتاب در آن، ذکر می‌شود، از این رو طریق نویسنده فهرست تا مؤلف کتاب فهرست شده، سلسله‌وار در کتاب‌های فهرستی بیان شده است (خدایان آرنی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳۵).
«شیعیه، فهرست را بر اساس حجیت مطرح کرده [است]، نه فقط بر اساس ثبوت کتاب» (مددی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۳۶۶).

در تاریخ حدیث شیعیه، فهرست و اجازه برای ذکر وجود و بیان ارزش نوشتار پدید آمده است. فهرست یک تألیف مستقلی بوده که محدثان، مخصوصاً در اواخر عمر، کتاب‌های موجود در نزد خود را، که اجازه نقلش را داشتند یا به وسیله‌ی فهارس قبلی به آن‌ها رسیده بود، توصیف می‌کردند؛ بنابراین هدف از تألیف فهرست تنها معرفی کتب شیعیه نبوده است؛ چه این که این مهم با ذکر نام کتاب‌ها و مؤلف آن‌ها به دست می‌آمد و نیازی به ذکر طریق به کتاب‌ها نبود، همان‌گونه که محقق تهرانی در کتاب *الدریعه الی تصانیف الشیعیه* عمل کرده است.

با توجه به توضیحات فوق سؤال «چرا نجاشی و شیخ طوسی تصریح نکرده‌اند که انگیزه‌ی آنها در تألیف فهرست، بررسی حجیت آثار مکتوب شیعیه است؟ بلکه در مقدمه‌ی فهرست خود، انگیزه‌های دیگری را مطرح نموده‌اند» (صفاریان همدانی، ۱۳۹۹، ص ۲۶۹) پاسخ داده می‌شود. هنگامی که سبک خاصی از کتاب رواج دارد و کارکرد آن معروف است، بیان کارکرد آن مرسوم نیست. تصور کنید بخواهید لغتنامه‌ای را تألیف کنید و در ابتدای آن بگویید کارکرد این لغت‌نامه معادل‌یابی معنای کلمات است! پس ضرورت تألیف است که نیازمند به بیان است. برای نمونه درباره‌ی تدوین لغت‌نامه، ضرورت تدوین آن، کاستی‌های دیگر لغت‌نامه‌هاست که مؤلف آن را در مقدمه بیان می‌کند؛ از این رو، شیخ طوسی ضرورت تألیف *الفهرست* خود این گونه ذکر کرده است که فهرست‌های گذشته جامع همه‌ی کتاب‌ها نبوده است (طوسی، بی‌تا، ص ۲). نیز نجاشی نوشتن کتابش را، شامل نبودن همه مباحث در فهرست‌های گذشته «لیست مستغرقة لجمیع ما رسمه» (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳) ذکر کرده است.

باید دقت کرد که نباید کتاب‌های فهرست نجاشی و طوسی را مانند کتاب‌های لغت و رجال به‌عنوان دستنامه^۱ در کنار ارزیابی حدیث به روش تحلیل فهرستی دانست. در کتاب‌های لغت تلاش مؤلف بر این است که تمامی معانی کلمه را جمع‌آوری و گزارش کند. همچنین در کتب رجالی سعی بر این است که همه‌ی اقوال درباره‌ی راوی گردآوری شود؛ اما هدف فهرست‌نویس معرفی کتاب، اثبات اعتبار آن و بیان تفاوت نسخه‌ها در صورت وجود اختلاف بین آن‌ها است. برای این هدف‌ها، بیان بهترین طریق به کتاب کافی است. البته در صورت وجود اختلاف نسخه‌ها، تذکر آن لازم و ارائه‌ی طریق به هر نسخه ضروری است. با توجه بدین توضیحات جواب به ابهامی از قبیل:

«اگر انگیزه‌ی آنان [نجاشی و طوسی] اعتبارسنجی کتب بوده، آیا نباید تمام طرق خود به کتاب‌ها را ذکر می‌کردند؟» (صفاریان همدانی، ۱۳۹۹، ص ۲۶۹) روشن می‌شود.

۳-۳. تحلیل رجالی، بررسی رجالی

مراد از تحلیل رجالی شیوه‌ی مرسوم و رایج ارزیابی حدیث در عصر حاضر است. در این شیوه خبر واحد به سه قسم صحیح، حسن و ضعیف یا همراه با قسم چهارم موثق، تقسیم می‌شود که هر کدام ویژگی‌های خاص خود را دارد (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۹، ص ۴۲ به بعد). تحلیل فهرستی از تکنیک‌های تحلیل رجالی بهره می‌برد و آنها را طبق مبانی خود بومی‌سازی کرده و توسعه می‌دهد و بدین صورت «بررسی رجالی» پدید می‌آید. در تحلیل رجالی معروف، راویان موجود در سند مرکز ثقل بحث می‌باشند. این راویان از جهات ثقه بودن، امامی بودن و اتصال بین راویان سند بررسی می‌شوند. به‌عنوان مثال برای بومی‌سازی تحلیل رجالی، در بررسی رجالی به‌جای ثقه بودن راوی در گفتار، ثقه بودن در انتقال تراث ملاک است. به عبارتی دیگر، اعتماد به راوی از جهت عدم دستبرد او به نسخه و افزودن یا کاستن در آن مهم است (عمادی حائری، ۱۳۸۸، ص ۱۰۷-۱۰۸؛ ملکیان، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۲-۱۳).

در بررسی رجالی مؤلفه‌های دیگری مانند وابستگی به جریان‌های علمی (کلامی، فقهی، حدیثی و ...) یا فرقه‌ای (خط اعتدال، خط غلو، خط واقفیه، خط فطحیه، خط زیدیه و ...)، محل ولادت، تربیت، سکونت، شغل و کاسبی، فضای فکری و سیاسی محل زندگی، سفرهای که انجام داده، اصل و نسب، عقد و لا یا عربی اصیل بودن، و... از حیث آثاری که این گونه موارد بر اعتبار

^۱ Handbook

نوشتار حدیثی دارد، افزوده می‌گردد (برای نمونه ر.ک: مددی، خارج اصول ۱۳۹۸/۱/۱۹، خارج فقه ۱۳۹۷/۱/۱۶).

۳-۴. حجّیت، حجّیت انتشاری، حجّیت استنادی

«حجّت» در لغت به معنای برهان و دلیل است (ابن منظور، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۲۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۱۹). معنای جامع حجّت در لغت «ما یحتج به علی الغیر» است. بنابراین «حجّیت» به معنای صلاحیت احتجاج است. اما حجّیت در اصول فقه معانی متعددی دارد که برخی تا هشت معنا برای آن شمرده‌اند (اسماعیلی و احمدی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۹). کاربرد حجّیت در دو معنای؛ (۱) کاشفیت و طریقیّت و (۲) معذریّت و منجزیّت اهمیت دارد. حجّیت در معنای اول در علوم عقلی و تجربی کاربرد دارند. چون هدف این‌گونه علوم کشف واقع است. به‌عنوان مثال هدف حل مسائل در علوم ریاضی و فیزیک و شیمی و پزشکی کشف واقع است. بنابراین اقامه حجّت و دلیل به جهت رسیدن به واقع و نفس الامر است. اما در علوم مانند فقه و اصول فقه حجت به معنای دوم است. فقیهان و اصولیان به دنبال دلیلهایی هستند که احتجاج بدان‌ها صحیح است. حتی اگر واقع‌نمایی آنها ناقص بوده، در نتیجه احتمال خطا در آن ممکن است. بلکه از دلیلهایی که اصلاً واقع‌نمایی ندارند، مانند اصول عملیه، در این علوم سخن به میان آمده و از آن‌ها بهره برده می‌شود. به عبارتی دیگر، فقها و اصولیان به دنبال دلیلهایی هستند که دستورات شارع را در حق مکلف منجز کند و مکلف در صورت خطای دلیل در پیشگاه الهی معذور شمرده شود. در این پژوهش هنگام به کار بردن «حجّیت»، همان «کاشفیت و طریقیّت» اراده شده است.

در خطابات قانونی رویه این است که قانون‌گذار برای ابلاغ قانون خود، رسانه‌ای را برای خود معرفی می‌کند و انتشار در آن رسانه ابلاغ شمرده می‌شود؛ ولی در صورت عدم انتشار در آن رسانه، حتی اگر در رسانه‌های دیگر اخبار کرده باشد، هنوز ابلاغ صورت نگرفته است. پس انتشار در رسانه‌ی رسمی سبب «حجّیت» منتسب به شارع می‌شود که چنین حجّیتی در پژوهش «حجّیت انتسابی» نامیده می‌شود. معمولاً جز رسانه‌ی رسمی مقنن، رسانه‌های متعدد دیگری برای انتشار خبر نیز وجود دارد که برخی قانونی و با مجوز فعالیت می‌کنند و برخی بدون مجوز به انتشار خبرها دست می‌زنند. رسانه‌های قانونی و دارای مجوز برای انتشار (و نه انتساب) دارای «حجّیت انتشاری» هستند. برای مثال، روزنامه‌ی رسمی جمهوری اسلامی دارای حجّیت انتسابی به مواد قانونی و روزنامه‌هایی مانند اطلاعات که مجوز فعالیت دارند دارای حجّیت انتشاری هستند.

۴. دیدگاه‌های مختلف از چستی تحلیل فهرستی

۴-۱. دیدگاه اول

در این دیدگاه «تحلیل کتابشناسی» که در این دیدگاه مرادف «تحلیل فهرستی» است (نک به: عمادی حائری، ۱۳۸۸، ص ۱۳۵ و ۷۸ و ۱۰۴) این گونه تعریف شده است: «نقد و بررسی متن حدیث بر اساس کتاب و نسخه‌های مختلف آن» (عمادی حائری، ۱۳۸۸، ص ۳۵).

با دقت در سخنان این دیدگاه، مراد از تعریف فوق چهار مورد زیر است:

۱- بازیابی کتاب

۲- بازسازی کتاب

۳- تعیین ویژگی‌های کل کتاب (عمادی حائری، ۱۳۸۸، ص ۵۹ مقایسه کنید با ص ۵۶)

۴- تعیین صحت و ضعف روایات کتاب به صورت کلی و در قالب یک مجموعه (عمادی حائری، ۱۳۸۸، ص ۵۵).

باید دقت شود که مراد از «نقد متن حدیث» در این تعریف، اصطلاح رایج آن یعنی سنجش حدیث با قرآن، سنت قطعی، عقل و امثال آن نیست و این مورد از تحلیل فهرستی خارج است (عمادی حائری، ۱۳۸۸، ص ۵۹). به عبارتی دیگر اصطلاح «نقد متن حدیث» در معنای مصطلح آن میان متن‌شناسان و تصحیح‌کنندگان آثار خطی به کار برده شده است. ظاهر سخنان این دیدگاه این است که تحلیل فهرستی به دنبال اعتبارسنجی تک روایت نیست و مجموعه‌ی کتاب حدیثی را مدنظر دارد. هر چند با روشی غیرمستقیم یعنی با دسترسی به متن روایات کتب معتمد محدثان و فقهای قدیم - که آنان آن را صحیح دانسته و بدان عمل می‌نموده‌اند - می‌توان به صحت روایاتی که تعلق آن بدان کتاب مورد اعتماد اثبات شده، حکم کرد (عمادی حائری، ۱۳۸۸، ص ۵۵). تصریح بدین مطلب در این نگاه وجود دارد:

«از این دیدگاه، روایات یک راوی (مؤلف) به صورت منفرد و جدا جدا

بررسی نمی‌شود، بلکه روایات او به صورت کلی و در قالب یک مجموعه

تحلیل خواهد شد» (عمادی حائری، ۱۳۸۸، ص ۵۶).

در نقد و بررسی این دیدگاه باید گفت که در این دیدگاه، تحلیل فهرستی از منظر بازسازی کتب حدیث شیعه مورد واکاوی قرار داده شده؛ بنابراین «هدف اصلی و غایت قصوای» تحلیل

فهرستی، بازسازی کتاب حدیثی است. تحلیل فهرستی در این نگاه روشی برای اعتبارسنجی روایات شناخته نمی‌شود، بلکه از «فواید جنبی بازسازی کتاب»، اعتبارسنجی احادیث آن است.^۲ واقعیت این است که تحلیل فهرستی روشی برای ارزیابی حدیث و کشف اعتبار آن است. اگر چه روش تحلیل فهرستی می‌تواند راه بازسازی کتاب‌های حدیثی را هموار کند و در مواردی اشتراکاتی بین بازسازی کتاب حدیثی و تحلیل فهرستی وجود دارد؛ اما تفاوت‌های عمده‌ای میان آن دو وجود دارد.

هدف فردی که به دنبال بازیابی و بازسازی کتاب «الف» است با هدف شخصی که در جستجوی ارزیابی روایت «ب» که در مصادر متعددی در گذشته از جمله کتاب «الف» آمده، متفاوت است. در نگاه بازسازی مهم‌ترین هدف، تمامی کتاب و روایات موجود در نسخه دست‌نوشته‌ی مؤلف است. از این رو روایت «ب»، در کتاب «الف» ارزشی مانند بقیه روایات موجود در آن دارند. اما در نگاه ارزیابی، هدف بررسی اعتبار روایت «ب» است. در این حالت بقیه‌ی روایات کتاب «الف» یا اصلاً اهمیتی برای پژوهشگر ندارد یا ارزشی وابسته به تعیین اعتبار روایت «ب» را داراست. مثلاً برای آشنایی با سبک حدیث پژوهی مؤلف یا آشنایی با فضای فکری یا گرایش عقایدی او، برخی دیگر از روایات کتاب «الف» مورد بررسی قرار گیرد و از این راه، اعتبار روایت «ب» سنجیده شود. از این رو لازم نیست تمام روایات کتاب «الف» در کتب حدیثی جستجو گردد یا متون مختلف روایات دیگر کتاب «الف» تتبع و تصحیح قیاسی شود. از این رو گفته: «بازیابی کتاب حدیثی گام نخست در تحلیل فهرستی است» (عمادی حائری، ۱۳۸۸، ص ۵۴)، صحیح نیست.

ادعای انحصار تحلیل فهرستی به اعتبارسنجی مجموعی روایات، بر خلاف روش آیت‌الله مددی است. در درس‌های خارج فقه و اصول استاد، نمونه‌هایی که در آن تنها یک روایت تحلیل فهرستی شده و به اعتبار مجموعی روایات کتاب بسنده نشده، فراوان است. بلکه باید گفت که ایشان به خلاف این ادعا تصریح کرده‌اند که:

«می‌توانیم یک‌یک روایات کتاب را از نظر اینکه هر یک از فقها در طول تاریخ از جهت قبول آن و استناد فقهی به آن، چگونه برخورد کرده‌اند بررسی کنیم» (عمادی حائری، ۱۳۸۸، ص ۱۲۹).

^۲. نوشتار حاضر که مقاله برگرفته از آن است، در اختیار آقای عمادی حائری، جهت بررسی فهم درست مراد ایشان، قرار داده شد. آقای عمادی حائری ضمن تأیید صحت فهم نگارنده از عبارتهای کتاب، حاشیه‌های توضیحی بر نوشتار مادر نگاشتند که در نزد نگارنده موجود است. عبارتهای مشخص شده موجود در این پاراگراف برگرفته از همان حاشیه‌ها است. البته همین مضمون از دو باب اول کتاب بازسازی متون کهن به دست می‌آید.

این دیدگاه به روایت، به طور مستقل نگاه نمی‌کند بلکه هدف، کتاب شامل روایات است. پیامد دیدگاه مذکور این است که تحلیل فهرستی که روش اعتبارسنجی حدیث است، خیلی بیش از حجم خود شده و بررسی مواردی را شامل شود که قطعاً از تحلیل فهرستی خارج است.

۴-۲. دیدگاه دوم

این دیدگاه عمدتاً از جانب شاگردان آیت‌الله مددی ارائه شده است. اگرچه تصور طرفداران این دیدگاه از تحلیل فهرستی کاملاً شبیه هم نیست، اما اشتراکات فراوانی دارد. هسته اصلی تصور مفهوم «تحلیل فهرستی» در این نگاه این است: کتابی که حدیث در آن ذکر شده، معلوم و اعتبار کتاب معین شود. در نهایت اعتبار حدیث با اعتبار کتاب برابر خواهد بود. در این دیدگاه - بر خلاف دیدگاه اول - هدف اصلی تحلیل فهرستی، اعتبارسنجی حدیث است، اگرچه تحلیل فهرستی می‌تواند کمک شایانی به پژوهشگر برای بازسازی کتاب کند. از این رو بیشتر نقدهای وارد بر دیدگاه اول، بر این دیدگاه وارد نیست.

در این گروه، به عنوان مثال گفته شده:

«اعتماد اصحاب در ارزیابی تراث حدیثی - علاوه بر وثاقت راوی - به این موارد است: ورود حدیث در کتابی مشهور به اضافه‌ی انتساب صحیح کتاب به مؤلف که مشایخ آن کتاب را به طریق قابل اعتماد، تحمّل کرده باشند» (خدایان آرانی، ۱۳۸۵، ص ۱۳؛ ملکیان، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۲).

در این دیدگاه تعامل قدما با کتاب‌های مشهور موجود در نزدشان همانند معامله‌ی ما با کتب اربعه در زمان معاصر است. همان طوری که در فرآیند ارزیابی حدیث از زمان معاصر تا زمان مشایخ سه‌گانه بررسی سندی نمی‌شود و شهرت این کتاب‌ها ما را از آن بی‌نیاز می‌کند، اگر کتاب مشهوری مانند کتاب یونس بن عبدالرحمن (م ۲۰۸ ق) نزد شیخ کلینی (م ۳۲۹ ق) وجود داشت، فاصله بین کلینی تا یونس از ارزیابی بی‌نیاز بوده است (ملکیان، ۱۳۹۴، ج ۱، صص ۱۳-۱۴).

برخی از طرفداران این نگاه ادعا می‌کنند حتی اگر فرضاً شیخ کلینی کتاب یونس را به صورت وجاده^۳ در بازار بیابد یا راویان کتاب بین شیخ کلینی تا یونس (حدود ۱۲۰ سال) ضعیف، فاسد المذهب و جعل‌کننده‌ی حدیث باشند، روایت آنها پذیرفتنی است (ملکیان، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۳). به عبارتی همان‌گونه که در زمان حال اجازه روایت از کتب اربعه تشریفاتی است، اسناد و طرق کتاب‌های مشهور در زمان قدما به کتاب‌ها، تشریفاتی و به جهت تبرک و تیمّن ذکر شده است

^۳. «وجاده» یکی از روشهای تحمل حدیث است و به این معناست که راوی، کتاب به خط شیخ را بیابد و بی آن که معاصر او باشد، یا اگر است، بدون آن که او را ملاقات کرده باشد، آن را روایت کند.

و به همین جهت است که شیخ صدوق در کتاب *المقنع* آن‌ها را حذف کرده است (ملکیان، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۶؛ ملکیان، بی تا).

در این دیدگاه، ارزیابی رجالی قدما در موارد زیر کاربرد داشته است:

- راویان موجود در کتاب مشهور تا امام معصوم (علیه السلام)؛
- صاحبان کتاب‌های مشهور؛
- اسانید کتب غیرمشهوره از زمان قدما (مثلاً شیخ کلینی) تا امام معصوم (علیه السلام) (ملکیان، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۳).

در این دیدگاه همانند دیدگاه قبل، ارزیابی احادیث به صورتی و بر اساس اعتبار کتاب است. برخی از طرفداران این دیدگاه پس از بیان عوامل تاریخی تفاوت بستر انتقال احادیث بین اهل سنت و شیعیان آورده است:

«این گونه بود که کتاب و مسائل پیرامونی آن، محور اعتبارسنجی قرار گرفت و سنجش مجموعه‌های حدیثی جای خود را به سنجش تک تک افراد و رجال ناقل حدیث داد ... این عوامل موجب شد تا اندک اندک اعتبارسنجی روایات آحاد و منفرد در میان بزرگان شیعه در کنار تحلیل مجموعه‌های حدیثی، جلوه‌ی کمتری یابد» (سرخئی، ۱۳۹۴، ص ۳-۵).

به عقیده‌ای برخی از طرفداران این نگاه، در صورت تسلط بر این روش می‌توان فرآیند اعتبارسنجی را بسیار با سرعت و به محض دیدن سند طی نمود:

«واقعیت این است که یک حدیث‌شناس مسلط، مجموعه این مراحل [بررسی فهرستی] را در کمتر از پنج ثانیه به محض دیدن سند به صورت ناخودآگاه انجام می‌دهد» (میرزایی، ۱۳۹۷، ص ۵۹).

در نقد و بررسی این دیدگاه نیز باید گفت بنابر این دیدگاه، تحلیل فهرستی به یافتن مصدري که روایت در آن وجود دارد بسنده کرده، اعتبار آن روایت نیز برابر اعتبار کتاب در نزد قدما فرض می‌شود؛ اما این بسندگی با اشکالات متعدد مبنایی و بنایی روبروست:

(۱) بنا بر مبنای تحلیل فهرستی، اعتبار کتاب فقط وابسته به شهرت و عدم شهرت آن کتاب نیست. همانطور که واضح است اعتبار کتاب‌ها نزد قدما دارای طیف وسیعی است و از جنبه‌های مختلف است. برای همین نگاه منفی (عدم شهرت) و مثبت (مشهور بودن) به کتاب‌های حدیثی در تحلیل فهرستی وجود ندارد. از این رو نباید اعتبار حدیث را فقط به شهرت و عدم شهرت کتاب شامل حدیث وابسته کرد.

۲) اشکال مبنایی دیگر این است که در تحلیل فهرستی اعتبار حدیث موجود در کتاب، برابر اعتبار کتاب نیست. بلکه حتی احادیث موجود در یک کتاب با مقایسه با هم، دارای اعتبار یکسانی نیستند. به عنوان نمونه، کتاب *نوادیر الحکم* تألیف احمد بن محمد بن یحیی اشعری اگرچه مشهور بوده (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴) اما خیلی از احادیث آن مورد قبول واقع نشده است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۴۸). این مطلب صحیح است که اعتبار و عدم اعتبار کتاب شاهدی بر اعتبار و عدم اعتبار حدیث است اما این شاهد، تمام فرآیند اعتبارسنجی نیست.

۳) سوم این که اساساً قدما روش واحدی در اعتبارسنجی احادیث نداشته‌اند. آیت الله مددی از اعتبارسنجی مشایخی، اعتبارسنجی رجالی، اعتبارسنجی قبول طائفه و عمل اصحاب و... به صراحت سخن گفته‌اند (مددی، خارج فقه ۱۳۹۵/۲/۶).

۴) دیگر این که، در تحلیل فهرستی اکتفا کردن به قواعد کلی معنا ندارد و هر مورد قراین و شواهد خاص خود را دارد. آیت الله مددی تصریح می‌کنند این روش نیازمند بحث مصداقی و شواهد و قرائن دقیق است (عمادی حائری، ۱۳۸۸، ص ۱۳۶).

۵) فرآیند اعتبارسنجی در تحلیل فهرستی با وجود روایت در یکی از اصول مشهور و کتب معروف آغاز نمی‌شود و بدان انجام نمی‌یابد. بلکه، علاوه بر این، باید فضای مسأله یا حادثه‌ای که منجر به گفتمان درباره حکم آن شده، به دست آید. چگونگی تعامل مذاهب فقهی و جریانات درون فرقه‌ای با آن واکاوی شود. علاوه بر این می‌بایست روشن شود که روایت در کدام مصادر جز مصدر کنونی آمده، و روایات مشابه آن در مصادر اسماعیلی، زیدی و اهل سنت و ارتباط این روایت با آن‌ها بررسی شود. شیوه برخورد مشایخ ثلاثه، اصحاب کتب اربعه، با آن روایت مورد مذاقه قرار گیرد و اگر برخی آن را نقل کرده و برخی از نقل آن اعراض کرده، چرایی نقل و اعراض مورد تحلیل و واکاوی قرار گیرد. تأمل در این نکته نیز لازم است که روایت از طریق کتب واقفیه یا فطحیه آمده یا از طریق امامیه است. همه‌ی این موارد جزئی از این روش ارزیابی است. بنابراین تحلیل فهرستی بسیار وسیع‌تر از صرف وجود روایت در کتب مشهور و اصول معروف است.

۷) ادعای قبول کتاب‌های و جاده‌ای یا روایت شده توسط جعل‌کنندگان، پایه‌ی حدیث شیعه را چنان سست می‌کند که دیگر شایستگی پیگیری ندارد. آیت الله مددی در تحلیل فهرستی بین نسخه‌ای که به طریق و جاده نقل شده و بین نسخه‌ای که مورد قرائت و سماع واقع شده، بسیار تفاوت قائل هستند. به عنوان مثال درباره کتاب علی بن جعفر عریضی بین نسخه‌های و جاده‌ای با نسخه‌های موجود در نزد شیخ کلینی تفاوت قائل هستند (مددی، خارج فقه ۱۳۹۰/۱۱/۲۵).

استاد مددی در روایت محمد بن موسی همدانی درباره‌ی اجرت اذان‌گو، با آن‌که شیخ کلینی این روایت را گزارش کرده (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۱۴، ص ۶۱۰)، تأمل دارند (مددی، خارج فقه ۱۳۹۴/۱۱/۲۴). دلیل این تأمل، متهم به وضع شدن وی توسط ابن ولید است (طوسی، بی‌تا، ص ۲۰۱ و ۲۱۶؛ نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۳۸ و ۳۴۸).

۸) اساساً «بررسی رجالی» یکی از ابعاد مهم تحلیل فهرستی است. بدون بررسی رجالی، تحلیل فهرستی ناقص است و ارزیابی حدیث بدون آن به نتیجه‌ی مطلوب نمی‌رسد. یک پایه‌ی تحلیل فهرستی بر سند روایت و مقایسه آن با طرق موجود در فهرس است. از این رو نمی‌توان این اسناد را تیمن و تبرک دانست. علاوه بر این، اگر شیوه فهرستی همانند رویکرد ما به کتب اربعه باشد، باید نتیجه گرفته شود که نسبت به سند، از زمان معاصر تا زمان تألیف کتب اربعه بررسی‌های رجالی و سندی نمی‌شود، نه این‌که اسناد موجود در کتب اربعه مورد بررسی و تدقیق واقع نشوند. بنابراین شیخ صدوق در کتاب *المُتَمَنِّع* و دیگر قداما حق داشتند که از خود تا صاحب کتاب سندی ارائه ندهند نه این‌که اسناد موجود در اصل کتاب را حذف کنند و آنها را برای تیمن و تبرک بدانند.

آیت‌الله مددی برای تحلیل فهرستی یک روایت، چندین جلسه درس خارج وقت می‌گذارند و به یقین ساعت‌ها مشغول تفکر درباره‌ی روایت بوده‌اند. تحلیل فهرستی نیازمند غور و دقت و ارائه فرضیه و نظریه‌پردازی است و با فهمیدن این‌که روایت در کدام کتاب بوده و در کدام کتاب نبوده، فرق دارد. آیت‌الله مددی می‌فرماید:

«تحلیل فهرستی دشوار است و کوشش مضاعف و تحلیل متنی روایات و جستجوی شواهد و قرائن تاریخی را می‌طلبد» (عمادی حائری، ۱۳۸۸، ص ۱۲۳).

۳-۴. دیدگاه سوم (نظر مختار)

در خلال بررسی و نقد نظرات دو دیدگاه گذشته، گوشه‌هایی از روش تحلیل فهرستی بیان گردید. برای توضیح بیشتر ابتدا به توصیف کلی این روش پرداخته، سپس گوشه‌ای از مبانی آن خلاصه‌وار مرور می‌شود. بدیهی است که مقاله گنجایش بحث تفصیلی را ندارد و سازوکار اجرای تحلیل فهرستی و تطبیق آن بر موارد عینی نیازمند مقاله‌ای مستقل است. تحلیل فهرستی روشی برای ارزیابی حدیث است و نظریه به شمار نمی‌رود (برای نگاه مخالف نک: صفاریان همدانی، ۱۳۹۹).

این روش بر اساس تجمیع شواهد و تجزیه و تحلیل آن‌ها و نتیجه‌گیری نسبت به اعتبار روایت است. تحلیل فهرستی روشی پویاست و با گذشت زمان زوایای خود را کامل می‌کند. در این روش اعتبارسنجی، پژوهشگر در عین حالی که روش خود را تکمیل و اصلاح می‌کند، نتایج پژوهشی را روشن می‌کند که بدان مشغول است. نتایج جدید بر کل نتیجه‌های پژوهش‌های قبلی سایه می‌افکند و آنها را تأیید یا تصحیح و حتی در مواردی اشتباه آن‌ها را ثابت می‌کند. هسته‌ی اولیه تحلیل فهرستی بر مجموعه فرضیه‌هایی استوار گشته و پس از انجام هر پژوهشی، آن فرضیه‌ها تأیید شده و تبدیل به نظریه می‌شوند و یا تکمیل و اصلاح می‌شوند. این روش در ادامه‌ی حیات خود دائماً به فرضیه‌های خود می‌افزاید و آنها را حک و اصلاح می‌کند. این روش به مثابه‌ی نرم‌افزاری متن‌باز^۴ است که هسته‌ی اولیه آن توسط آیت‌الله مددی ساخته شده است و تا کنون توسط ایشان توسعه داده شده است.

۵. ویژگی‌های روش تحلیل فهرستی

۵-۱. بومی‌سازی و توسعه‌ی روش‌های ارزیابی پیشین

تحلیل فهرستی از روش‌های ارزیابی قبل از خود بهره برده، بدان‌ها وامدار است. این بهره‌گیری‌ها بر اساس مبانی تحلیل فهرستی است. به‌طور کلی، می‌توان به روش‌های ارزیابی حدیث خُرد نگرین، همچنان که می‌توان نگاه کلان بدان‌ها داشت. اگر مبدأ مقیاس را تحلیل رجالی بدانیم، در نگاه خُرد، تحلیل رجالی با نگاهی به جزئیات بسیار بیشتر، تبدیل به بررسی رجالی می‌شود. در مقابل یعنی نگاه کلان، نگرش یکپارچه به سند و مقایسه آن با اسناد مشابه همانند روشی که آیت‌الله بروجردی آن را ابداع کردند (بروجردی، ۱۴۱۳، ص ۱۰۸-۱۰۹)، یک درجه کلان‌تر است (تحلیل یکپارچه‌ی سندی). همچنین با وارد کردن نگاه تاریخی به انتقال و همچنین به مضمون حدیث (بروجردی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۱۴؛ سیستانی، ۱۴۴۱؛ سیستانی، بی‌تا-ب، ص ۲۷؛ سیستانی، بی‌تا-الف، ص ۱۶۱) درجه‌ای دیگر به ارزیابی افزوده می‌شود (تحلیل تاریخی روایت و مضمون). با وارد شدن بُعد منبع و مصدری که روایت در آن وجود داشته نگاه کلان دیگری حاصل می‌شود (تحلیل مصدری). بُعد فتوای اصحاب ائمه نیز ارزیابی را کلان‌تر می‌کند (تحلیل فتوایی).

^۴ open source

۵-۲. اعتبارسنجی مشکک و پیوسته

روش ارزیابی رجالی مرسوم در صدد کشف اعتبار حدیث است و پس از انجام مراحل آن، سطح اعتبار (= صحیح، موثق، حسن، ضعیف) حدیث کشف می‌گردد. به عبارتی دیگر، بنا بر پیش فرض در تحلیل رجالی با چشم‌پوشی از عالم واقع، حدیث خود، دارای سطحی از اعتبار است که با انجام تحلیل رجالی آن اعتبار مشخص می‌گردد. از این رو است که در این روش اعتبارسنجی، الزامی به عمل به حدیث صحیح یا طرح حدیث ضعیف وجود ندارد. تعارض دو دلیل نیز بر اساس همین پیش فرض است. همچنین در تحلیل رجالی اعتبار یک حدیث در فرآیند اعتبارسنجی تغییر نمی‌کند. در تحلیل رجالی درجات اعتبار حدیث از هم گسسته‌اند^۵ اما اعتبار حدیث در هر درجه متواپی است. به‌عنوان مثال همه‌ی احادیثی که دارای درجه‌ی اعتبار صحیح اعلی باشند (برای تعریف ر.ک: سبحانی تبریزی، ۱۴۱۹، ص ۵۹) صحیح اعلایی هستند و یکی از دیگری، صحیح اعلایی تر نمی‌باشد. یعنی این گونه نیست که اگر رجال سند یک حدیث را دو عادل توثیق کرده باشند و رجال سند حدیث دیگر را سه عادل توثیق کرده باشد، حدیث دوم صحیح اعلایی تر از حدیث اول گردد. همچنین ارزیابی دیگر احادیث در اعتبارسنجی حدیث خاص، دخالتی ندارد.

تحلیل فهرستی روشی است که به اعتبارسازی یا اعتبارشکنی حدیث می‌پردازد. در حقیقت، در این روش، حدیث اعتباری ماورای عالم واقع ندارد که این روش آن را کشف نماید؛ بلکه اعتبار روایت به اندازه‌ی وثوق به کاشفیت روایت از واقع است. از این رو طیفی از اعتبار در روایات وجود دارد و به ۶ یا ۱۰ سطح یا بیشتر محدود نیست.^۶

در فرآیند تحلیل فهرستی اعتبار حدیث (=واقع‌نمایی) دستخوش تغییر قرار می‌گیرد. با تحلیل فهرستی بین فاصله «حجیت انتشاری» و «حجیت انتسابی» پلی ساخته می‌شود و خبر واحد را به سطح کاشف از سنت ترقی می‌دهد یا در مواردی تنزل می‌دهد. در فرآیند اجرای تحلیل فهرستی درجه‌ی اعتبار حدیث به‌صورت پیوسته^۷ افزایش یا کاهش می‌یابد. اعتبارسنجی احادیث دیگر در موضوع حدیث خاص بر اعتبار آن حدیث تأثیر گذاشته و آن را تغییر می‌دهد. از این رو حاصل اعتبارسنجی روایت به روش تحلیل فهرستی یا خروجی آن، با حاصل و خروجی روش اعتبارسنجی به روش تحلیل رجالی کاملاً متفاوت است. در تحلیل رجالی در نهایت، روایت به

^۵ Digital

^۶. مراد از ۶ سطح: صحیح (اعلی، اوسط و ادنی)، حسن، موثق و ضعیف است و مراد از ۱۰ سطح صحیح (اعلی، اوسط و ادنی)، حسن (اعلی، اوسط و ادنی) و موثق (اعلی، اوسط و ادنی) و ضعیف است. در صورت دسته‌بندی ضعیف سطوح بیشتر خواهند شد.

^۷ Analog

یکی از اوصاف صحیح، حسن، موثق و ضعیف متصف می‌شود. اما در تحلیل فهرستی قبول روایت یا رد آن به حسب قرائن، بیشتر یا کمتر می‌شود.

در تحلیل رجالی فرقی میان آغاز و پایان سند نیست و برای حجیت روایت همه‌ی راویان موجود در سند باید توثیق شوند، اما در تحلیل فهرستی امکان دارد که راوی کتاب فردی موثق باشد اما نسخه‌ای که او روایت می‌کند، معتبر نباشد. برعکس راوی کتاب موثق نباشد اما کتابی را که بدون دخل و تصرف در آن به دیگران انتقال داده، معتبر باشد (عمادی حائری، ۱۳۸۸، ص ۱۰۷). همچنین انتساب همزمان کتابی نسبتاً معتبر و نیز کتابی بی‌اعتبار به یک نویسنده شگفت‌آور نمی‌باشد (اکبری، ۱۳۹۸، ص ۱۱۲)، چه این که شیوه‌ی پدیدآوردگان آثار حدیثی در گردآوری احادیث به این گونه بوده است که ابتدا طریق خود به منابع، سپس نام مؤلف و پس از آن طریق مؤلف به امام (علیه‌السلام) را در ابتدای حدیث ذکر می‌کردند (سرخئی، ۱۳۹۴، ص ۲۰۸). تعامل قدما در ارزیابی روایت با راویان منابع متفاوت از راویان احادیث بوده است. در حقیقت قدما با رجال موجود در سند تعامل چندگانه‌ای داشته‌اند و بین آغاز و میان و پایان سند تفاوت وجود داشته است (سرخئی، ۱۳۹۴، ص ۲۴۳).

۳-۵. موردکاوی در مطالعه‌ی تاریخی

روش تحلیل فهرستی شباهت زیادی با روش «موردکاوی»^۱ دارد. موردکاوی عبارت است از گزارش تفصیلی و با دقت یک موردکاو که دربرگیرنده حقایق پیرامونی مورد است. موردکاوی [بخوانید: تحلیل فهرستی] بررسی نظام‌یافته یک رویداد [بخوانید: یک حدیث] یا مجموعه‌ای از رویدادهای [بخوانید: احادیث] مرتبط به هم، با هدف تشریح و تبیین پدیده‌ای خاص [بخوانید: مضمون حدیث] است. در موردکاوی بر موضوعی [بخوانید: حدیثی] خاص تمرکز می‌شود. بر روابط و فرآیندهای پیرامون آن موضوع تأکید می‌شود. رویکرد، سیستمی است و با نگاه کلان به موضوع و پیرامون آن دقت می‌شود. و از روش‌های مختلف گردآوری داده‌ها بهره‌گیری می‌شود. روابط و فرآیندها در درون محیط اجتماعی، در هم تنیده و مرتبط به هم هستند. برای درک یک موضوع، ضرورت دارد سایر چیزها نیز بررسی شوند. از این رو پدیده‌های مورد مطالعه باید به‌عنوان یک مجموعه و کل نگریسته شوند و نه عوامل منفک از یکدیگر (مقیمی، ۱۳۸۶، ص ۷۷).

^۱ Case Study

در تحلیل فهرستی از روش تاریخی بهره‌ی فراوان برده می‌شود. اما نه به معنای «شناخت گذشته در پرتو آینده» که برخی ارائه کرده‌اند (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۷، ص ۲۶۱-۲۷۲). بلکه مراد از آن مطالعه‌ی پیشینه‌ی یک حادثه یا دیدگاه است.

در این نگاه شناخت تاریخی، حرکت از حال به گذشته، رفع حجاب زمان و برگشت به روزگار ظهور پدیده است. تحلیل‌گر را باید وقایع‌نگاری در نظر گرفت که به‌جای مسافرت در مکان، فاصله زمان را طی می‌کند و با ابزارهای مدرن، به نقد و تحلیل چیزی می‌پردازد که از ورای حجاب زمان، آن را می‌بیند. در این صورت شناخت تاریخی به معنای گذشته‌شناسی و فهم پیشینه است. مطالعات حدیثی جدید در غرب نیز از چنین روشی بهره می‌برند. پرسش‌های اصلی این مطالعات از این دست هست: کی، چگونه و چرا این نوع خاص از احادیث پدید آمد؟ چگونه انتقال یافتند؟ میزان وثاقت آنها چه اندازه است؟ تا چه اندازه و از چه راهی می‌توان آنها را همچون منبعی در مطالعات تاریخی-انتقادی به کار گرفت؟ چه روش‌هایی وجود دارد که بتوان با آنها احادیث صحیح را از روایات تحریف‌شده و مجعولات متأخر بازشناخت؟ (موتسکی و کریمی‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۲۰-۲۱).

۴-۴. رویکرد واقع‌گرایی

به‌طور کلی، علوم را می‌توان به علوم حقیقی (مانند فیزیک و شیمی و طب و...) و علوم اعتباری تقسیم کرد. علوم اعتباری علمی هستند که موضوعات آنها قراردادی است و در عالم واقع قابلیت تغییر دارد؛ هر چند این تغییر بالفعل صورت نگرفته باشد (حسنی و علی‌پور، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۱). تحلیل فهرستی به دنبال اعتبار واقعی حدیث است. از این رو در تحلیل فهرستی تلاش و کوشش بر کم کردن رجوع به تعبّد است (مددی، ۱۳۹۳، ص ۳۵۴ و ۳۶۲ و ۳۶۵ و ۴۰۱).

مراد از رویکرد تعبّدی در اعتبارسنجی حدیث این است که شارع معیاری را معین کرده و خبر واجد آن معیار، معتبر است. این معیار می‌تواند عدالت راویان موجود در سند، ثقه بودن آنها، وجود روایت در کتاب‌های مشهور اصحاب و... باشد؛ اما بنابر رویکرد واقع‌گرا، معیار خاصی از جانب شارع ارائه نشده که مکلفان بدان متعبّد شده باشند بلکه ملاک رسیدن به واقع است.

اما تحلیل فهرستی با رویکرد تاریخی مستشرقان در حدیث‌پژوهی متفاوت است. مسأله‌ی اصلی غریبان میزان وثاقت حدیث به‌عنوان منبعی تاریخی بوده است؛ یعنی پرسش اصلی این بوده است که این روایات در حقیقت چه دوره‌ی زمانی را به ما نشان می‌دهند (موتسکی و کریمی‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۳۶، پاورقی ۷۱). یک تفاوت اساسی بین روش غربی و تحلیل فهرستی مسئله «حجیت» است، چرا که در تحلیل فهرستی حدیث به‌عنوان یکی از منابع اصلی دین تلقی

می‌گردد اما محققان غربی رویکردی متفاوت به احادیث دارد. آنان در پی شناخت تاریخ اسلام بوده‌اند و حدیث مهم‌ترین منبع برای شناخت تاریخ است. در مطالعه‌ی تاریخی اسلام، آنچه حائز اهمیت است، نه حجیت احادیث که «اصالت» و «اعتبار تاریخی» آنهاست (آقایی، ۱۳۹۴، ص ۱۳).

تاریخگذاری حدیث برای غربیان اهمیت دارد. آنها به دنبال یافتن پاسخ پرسش‌هایی مانند این‌که این حدیث چقدر از واقعه‌ای که به ما خبر می‌دهد فاصله‌ی زمانی و مکانی دارد؟ آیا زمان و مکان خاستگاهی که آن حدیث به خود نسبت می‌دهد صحیح است؟ و... هستند (موتسکی و آقایی، ۱۳۹۴، ص ۲۲). تحلیل فهرستی اگرچه دارای رویکرد واقع‌گرا در ارزیابی حدیث است اما این مهم به هدف تعیین وظیفه‌ی شرعی است. از این رو مقدار عمده‌ی اعتبارسنجی باید متکی به شواهد و قرائن باشد، اگرچه در نهایت مقدار اندکی از آن به خبریّت ارزیاب حدیث بازمی‌گردد.

بدیهی است که در هیچ یک از شاخه‌های علوم خبریّت اهل خبره بی‌تأثیر نیست و جایگاه مهمی در تشخیص نتایج دارد. به هر روی، در تحلیل فهرستی هر فرضیه‌ای که بتواند تصویری منسجم‌تر ارائه کند و شواهد بیشتری در تأیید آن تصویر فراهم آورد، معتبرتر خواهد بود.

۶. مبانی تحلیل فهرستی

هر روش ارزیابی حدیث بر اساس مجموعه پیش‌فرضهایی بنا شده که پذیرش یا عدم پذیرش آنها تأثیر مستقیم و غیرقابل‌انکاری در درستی روش دارد (مقایسه کنید با فقهی زاده و بشیری، ۱۳۹۶، ص ۷۰). در این مبحث، هدف ارائه برخی مبانی تصدیقی تحلیل فهرستی است. این مبحث متصدی اثبات این مبانی نیست، اگرچه قرائن و مؤیداتی بر آنها ذکر می‌گردد.

۶-۱. نوشتاری بودن بستر انتقال حدیث

بررسی تاریخ حدیث شیعه، گواه آن است که در شیعه نوشتار بستر عمده نقل و انتقال حدیث است (سرخئی، ۱۳۹۴، بخش ۲، ص ۴۸). از این روست که نگاه توصیفی دانشمندان رجالی تنها به سوی راویان صاحب کتاب معطوف بوده است (حسینی شیرازی، ۱۳۹۷، ص ۱۹۶). بنابراین، در ارزیابی حدیث باید سازوکارهای اعتبار نوشتار پیاده و ابزارهای متناسب با آن به کار گرفته شود. ارزیابی روایاتی که در بستر گفتار بازگو شده‌اند، با روایاتی که در بستر نوشتار نقل شده‌اند متفاوت است. روش ارزیابی قوی و دقیق روایات گفتاری، نزد اهل سنت پایه‌ریزی شده است. چه این‌که بستر انتقال حدیث، نزد آنها اغلب به صورت شفاهی بود. به تبع آن روش ارزیابی آنها

نیز تحلیل رجالی است. اهل سنت نیز اعتبارسنجی احادیث گفتاری را به نقطه کمال خود رسانده‌اند.

به کاربردن تحلیل رجالی بر روایاتی که در بستر نوشتار نقل شده‌اند اشتباه است و با اشکالی بنیادی روبروست. اگرچه سند روایت و طریق به کتاب ظاهراً یکسان هستند و از سلسله‌ای از اسامی تشکیل شده‌اند، اما ماهیت هر کدام متفاوت است. مرکز ثقل ارزیابی سند، روایانند و هدف جستجوی صفات آنان از جهت قبول و رد خبر است. اما گرانیگاه بحث از طریق به کتاب، اعتبار اصل کتاب و نوشتارهای واسطه‌ای است که از کتاب رونوشت کرده‌اند و کیفیت تعامل با روایت رونوشت شده در فضای صدور و انتقال روایت است. لازم به یادآوری است که اگر چه نوشتاری بودن بستر انتقال روایت غالبی است، اما به‌عنوان پیش‌فرض شمرده نمی‌شود. بلکه نوشتاری بودن روایت مورد ارزیابی، باید احراز گردد.

۲-۶. وجود قرائن و امکان اکتشاف آنها

یکی از مبانی تحلیل فهرستی اعتقاد به وجود قرائنی و شواهدی است که در نزد رجالیان و فهرست‌نویسان و حدیث‌شناسان گذشته بوده است. اگر چه به علت گذر زمان، شواهد اولیه کم‌رنگ شده (مددی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۳۵۵) اما از بین نرفته است. از این رو تلاش بر راستی‌آزمایی گزارش‌های گذشته همیشه مدنظر است. بدین جهت پیگیری اقوال رجالیان و فهرست‌نویسان یکی از کوشش‌های مهم در تحلیل فهرستی است. به‌عنوان مثال، شیخ طوسی در مورد «طلحه بن زید» می‌گوید:

«له کتاب و هو عامی المذهب إلا أن کتابه معتمد» (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۶).

با مراجعه به کتاب‌های حدیث امکان ارزیابی این گفته وجود دارد. از آنجایی که روایات طلحه بن زید در کافی، من لا یحضره الفقیه، التهذیب و الاستبصار وجود دارد (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۱ و ۴۳ و ۴۹؛ ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۵۲؛ ج ۳، ص ۴۴؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۲۳ و ۴۳۲) سخن طوسی با واقع تطابق دارد.

۳-۶. منابع اولیه و چگونگی انتقال و پالایش تراث به منابع بعدی

اکثر تراث حدیثی موجود شیعه به اواخر قرن اول و نیمه اول قرن دوم برمی‌گردد. احادیث موجود از اهل بیت (علیهم‌السلام) قبل از این تاریخ، از طریق شیعیان کم است. شیعیان هنگام شروع به فعالیت‌های علمی در نیمه دوم قرن دوم چون از اصحاب امام سجاد و امام باقر و امام صادق (علیهم‌السلام) نوشته‌هایی

وجود داشت مانند: کتاب الصلاة حرز، کتاب علاء بن رزین، کتاب المسائل محمد بن مسلم، کتاب الحج معاویه بن عمار و ...، لذا بر روی نسخه‌های موجود کار کردند. شیعیان امامی چون به امام معصوم (علیه السلام) اعتقاد داشتند، با عرضه‌ی روایات گفتاری و نوشتاری به ایشان، احادیث را ارزیابی می‌کردند. از این رو اولین فعالیت‌های علمی میراث حدیثی به وسیله‌ی شیعیان غیر امامی محقق شد که به امام معصوم (علیه السلام) نیازی نمی‌دیدند. بین سال‌های ۱۵۰ تا ۳۰۰ هجری قمری در کوفه، رجال و فهرست شیعه توسط واقفی‌ها و فطحی‌ها و زیدی‌ها، تدوین شد. نخستین رجال رسمی که در میراث شیعه از آن نام برده شده، کتاب عبدالله بن جبلة واقفی مذهب (م ۲۱۹) است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۱۶). همچنین حسن بن علی بن فضال (م ۲۲۴) فطحی مذهب دارای کتاب رجال است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۶). فرزند او یعنی علی بن الحسن بن علی بن فضال نیز فطحی مذهب و دارای کتاب رجال است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۵۷). بعد از ایشان احمد بن محمد بن سعید معروف به ابن عقده (م ۳۳۳) که زیدی مذهب بوده، رجال مفصلی داشته است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۹۴).

با این حال امامیه در این زمان در کوفه رجال و فهرست ندارند و فقط در قم احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰) دارای کتابی در رجال است که طبقات اصحاب ائمه (علیهم السلام) را ذکر کرده که در دسترس است. اساس فهرست نزد شیعه، در قم و اساس رجال آنان در کش و سمرقند به سامان رسیده است. بیشتر آنچه در الفهرست نجاشی و طوسی است، از فهرستهای قبل از آنهاست که در قم بوده است (خدامیان آرانی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳۸-۴۲). اطلاعات رجالی موجود در رجال کشی، اخذ شده از امثال نصر بن صباح، عیاشی و جبرئیل بن احمد فاریابی است (رحمان ستایش، ۱۳۸۴، ص ۴۷۹-۴۸۴). اینان در کش و سمرقند که دور از مرکز علمی شیعه بوده، زندگی می‌کردند. از آنجا که بزرگان اهل سنت مانند بخاری از آنجا هستند و تبعدی عمل می‌کرده‌اند، لذا به تبع از آنها، اینان هم به تبع روی آورده‌اند. طبیعی است که فضای حاکم در آنجا بر شیعیان اثر خود را گذاشته است.

۷. مراحل اجرای روش تحلیل فهرستی

اولین مرحله‌ی تحلیل فهرستی «بررسی رجالی و فهرستی» آن است. در صورت بی‌اعتباری روایت در این مرحله، مراحل بعدی معمولاً دنبال نمی‌شود.

در صورت اعتبار رجالی و فهرستی روایت، مرحله دوم یعنی «بررسی فضای صدور» آغاز می‌شود؛ زیرا محتوای روایت در خلأ شکل نگرفته، بلکه باید حادثه‌ای رخ داده باشد که به گفتمان در باب آن منجر شده است. ابتدا فضای صدور مسأله در اسلام مورد بررسی قرار می‌گیرد؛

یعنی زوایای دینی و مطرح شده در میان عموم مسلمانان پیگیری و گفتمان‌های اولیه و موضع‌گیرهای مذاهب فقهی و جریان‌های درون‌مذهبی در نسل‌های بعدی کشف شود. از آنجا که اختلافات در زمان پیامبر اسلام (ص) کم بوده و بیشتر اختلافات به عهد صحابه برمی‌گردد، معمولاً دوره صحابه و اکاوی می‌شود. البته بسیاری از موضوع‌ها در دوره‌ی تابعین یا از عصر فقها شروع شده که این امر به مدارک در دسترس وابسته است. نتایج در این مرحله جنبه‌ی تصویری دارد. یعنی صحت و سقم قول صحابی و استدلال‌های او مورد نظر نیست. در این مرحله هدف، یافتن منشأ پیدایش مسأله و ریشه‌های آن است (مددی، خارج فقه ۱۳۹۲/۷/۲۷). از این رو در این مرحله تمام مدارک تاریخی، حدیثی، تفسیری و ... که با موضوع روایت مرتبط است با دامنه‌ی حداکثری جستجو و جمع‌آوری می‌شود. در این مرحله، بررسی احادیث اغلب بر تراش حدیثی اهل سنت متمرکز است. همان‌طوری که در جرم و جنایات، انگیزه جنایتکارها غالباً پول یا مسائل جنسی یا قدرت (خشم و غضب) است، در اغلب رخداد‌های تاریخی نیز حادثه‌ای سیاسی یا موضوعی عقیدتی یا مسأله‌ای دینی (عبادی) گفتمان شده است. یافتن آن حادثه، موضوع یا مسأله به فرآیند ارزیابی کمک شایانی می‌کند. وقتی گزارش‌ها درباره‌ی موضوع روایت کم باشد، مشخص است که چنین حادثه‌ای رخ نداده (کاهش اعتبار) یا اگر چیزی وجود داشته، چندان جدی گرفته نشده، نتوانسته خود را نشان دهد؛ بنابراین اندیشمندان بعدی آن را حذف کرده‌اند (کاهش اعتبار).

مرحله سوم «مدیریت علمی امامان (ع)» نام دارد، بدین معنا که واکنش علمی ائمه اطهار (ع) پیگیری می‌شود. به شکل طبیعی، دامنه‌ی جستجو از امیرالمؤمنین (ع) و مجموعه‌ی نوشتاری منسوب به ایشان شروع می‌شود. پس از آن، مجموعه‌ای که از ائمه‌ی بعدی (ع) و شاگردان آنان رسیده تا برخی مسائل که در توقیعات امام زمان (ع) وجود دارد، را دربرمی‌گیرد. به عبارت دیگر تمام روایاتی که با موضوع روایت مورد ارزیابی مرتبط است، جمع‌آوری و مورد کاوش قرار می‌گیرد. در نتیجه گرایش‌های مختلف مربوط به مسأله احصا شده، نظر و گرایش جریان‌ها و مذاهب درباره‌ی آن واکاوی می‌شود. در این مرحله علاوه بر مباحث تصویری، جنبه‌های تصدیقی نیز مدنظر است بدین معنا که مجموعه‌های نوشتاری در دسترس چیست و کدام‌یک قابل اعتماد است؟ (مددی، خارج فقه ۱۳۹۲/۷/۲۷).

اگر رخدادی که به پرسش منجر شده در سه قرن نخستین باشد، راه اطلاع ما از گفتمان‌ها و موضع‌گیری‌های مربوط به آن، گزارش‌هایی است که در قالب روایات به ما رسیده است و به ندرت در تألیفات محدود مربوط به آن سده‌ها برجای مانده است. در این روایات، غالباً احکام

و فتاویٰ فقهی به ائمه‌ی اطهار (ع) یا پیامبر اکرم (ص) ارجاع می‌گردند. از این رو روایات فقهی نمی‌توانند به‌طور مستقیم بیان‌کننده‌ی نظرها و نشان‌دهنده‌ی گرایش‌های روایان تلقی گردند. اما با این حال در مسائلی که در روایات منقول از ائمه (ع) اختلاف احادیث دیده می‌شود، گزینش روایان که گاه خود فقیهانی نامدارند، نباید فقط یک اتفاق در نظر گرفته شود، بلکه همین گزینش‌ها به‌عنوان منبعی برای مطالعه گرایش‌های روایان به کار می‌آید. گزینش‌ها که به‌صورت پنهان در گزینش روایان بازتاب یافته است (پاکتچی، ۱۳۷۵، ص ۱۲).

مرحله چهارم «بررسی فضای انتقال» است، بدین معنا که موضوع روایت در «انتقال از حدیث به فتوا» و «فقه مآثور» پیگیری می‌شود که از سال‌های ۲۵۰ تا ۴۵۰ است. در این مراحل نحوه‌ی برخورد اندیشمندان با موضوع، قرینه‌ای بر اعتبار روایت است. مهم‌ترین مصدر فقهی که قبل از کتب اربعه‌ی حدیثی تدوین شده، کتاب «فقه الرضا (ع)» است. کتب المقنع و الهدایه شیخ صدوق، المقنعه شیخ مفید و النهایه شیخ طوسی نیز در فقه مآثور جای دارند که ریشه‌ی این کتاب‌ها، روایات است اما شکل فتوا به آن داده شده است. همانطور که مشهود است، پیگیری مضمون روایت در بستر تاریخ، محور اصلی تحلیل فهرستی است. در انتها یادآوری چند نکته لازم است:

۱) این سازوکار از ارزیابی‌هایی آیت‌الله مددی بر احادیث مرتبط با مباحث فقهی و اصولی به دست آمده است؛ بنابراین پس‌زمینه‌ی فقهی و اصولی در آن اثر دارد، لذا برای تعمیم سازوکار به احادیث کلامی، اخلاقی و ... نیازمند اصلاح است.

۲) در وجه نام‌گذاری این روش به «تحلیل فهرستی» و نه «تحلیل مضمونی» یا «تحلیل تاریخی» باید گفت که اگرچه نام‌گذاری روش ابتکاری به دلخواه مبتکر آن است و استدلالی یا برهانی نیست، اما به نظر می‌رسد که دلیل غلبه دادن جنبه‌ی فهرستی در نام‌گذاری به‌جای جنبه‌ی مضمونی یا تاریخی، نمود جهت اختصاصی امامیه در انتقال تراث حدیثی است. علاوه بر این که آنچه معمولاً از تحلیل مضمونی به ذهن متبادر است ارزیابی از جنبه‌ی بلاغت و سبک‌شناسی و تعالی تعبیر و مضمون است (ایزدپناه، ۱۳۷۶). تحلیل تاریخی نیز، تصور شنونده را به روش‌های تاریخی مستشرقان سوق می‌دهد.

۳) در پاسخ به این پرسش که چه تفاوتی بین تحلیل فهرستی با اجتهاد در مسأله‌ی فقهی مطرح شده در روایت مورد ارزیابی وجود دارد، و آیا تحلیل فهرستی همان طی کردن فرآیند اجتهاد در مسأله‌ی فقهی موجود در روایت نیست که به اشتباه روش اعتبارسنجی آن روایت دانسته شده است، باید گفت، عمده‌ی تفقه محدثانی چون شیخ کلینی و شیخ صدوق و حتی

راویان عصر ائمه (عج) چون ابن ابی عمیر و حسین بن سعید و قبل از آنها زراره و محمد بن مسلم و امثال آنان، در ارزیابی احادیث زمان خود و گزینش از بین آنها بوده است. اگر در پرسش مطرح شده، مراد از اجتهاد در مسأله‌ی فقهی این گونه تفقه است، در پاسخ باید حق را به پرسشگر داد و گفت تفاوتی نیست. اما اگر مراد اجتهاد در عصر حاضر است، یکسان دانستن تحلیل فهرستی با آن نشان از تصور نادرست از اجتهاد و فرآیند آن است (جواهری، ۱۳۸۷، سراسر اثر).

۸. معایب روش تحلیل فهرستی

معمولاً هر روش تحقیق دارای نقطه ضعف‌هایی است که از ذات روش برمی‌خیزد. علاوه بر این هر روش پژوهشی در ابتدای مسیر خود با مشکلات و کمبودهایی مواجه است. برخی از این معایب به اعتقاد مؤلفین چنین است:

۱) عیب ذاتی این روش، فرضیه‌های اولیه ارزیاب حدیث است که ممکن است در تحقیقات آینده بطلان آنها ثابت گردد. تحلیل فهرستی بیش از حد مبتنی بر پیش‌داوری است. استفاده از داوری‌های ذهنی در طول مرحله‌ی گردآوری داده‌ها می‌تواند سبب بی‌اعتبار شدن مفاهیم و یافته‌ها شود. مهم‌ترین انتقاد وارد بر تحلیل فهرستی این است که ذهنی بوده و به شدت تحت تأثیر افکار و دیدگاه‌های ارزیاب یا پژوهشگر است. در حقیقت پژوهشگر در ارائه نتایج پژوهش، نقشی محوری ایفا می‌کند.

۲) عیب دیگر تحلیل فهرستی، انعطاف‌پذیری مطالعات ارزیاب و قابل تعمیم نبودن یافته‌های این روش است. تحلیل فهرستی، اغلب «داده‌ی نرم» تولید می‌کند و فاقد درجه‌ی ثبات و صلابت کافی است. این بدان جهت است که تحلیل فهرستی به‌جای خروجی‌های قابل اندازه‌گیری، بر روی واقعیت تأکید دارد و علاوه بر آن، به‌جای روش‌های کمی، اتکای بیشتری بر داده‌های کیفی و روش‌های تفسیری دارد.

۳) از مشکلات موجود در راه گسترش تحلیل فهرستی ارائه تصویری ناقص بلکه نادرست از آن به مجامع علمی است. این مشکل هنگامی بحرانی می‌شود که این تصویر ناقص شبه رسمی شده است.

۴) این روش با کمبودهای جدی مواجه است. هنوز ارزیابی احادیث به‌وسیله آیت‌الله مددی با روشی که در خلال درس‌های خارج فقه و اصول اعتبارسنجی صورت گرفته، به‌صورت نگاشته‌های علمی به مجامع پژوهشی ارائه نشده است. تحلیل فهرستی برای اثبات خود باید

خروجی‌های خود را عرضه کرده، و به وسیله اندیشمندان مطالعه شده، با دیگر روش‌های ارزیابی حدیث مقایسه شود.

۵) علاوه بر این، نگاشته‌ای علمی که سازوکار اجرایی این روش را بیان کند، ارائه نشده است. روش علمی نمی‌تواند وابسته به یک فرد باشد. روش اجرای آن باید قابلیت آموزش و پیاده‌سازی توسط دیگران داشته باشد. همچنین، مبانی اساسی این روش باید راستی‌آزمایی و اثبات گردد.

در نهایت با وجود معایب ذاتی و این مشکلات و کمبودها، نمی‌توان از این روش چشم‌پوشی کرد. چه اینکه اغلب علوم جدید دارای چنین معایبی هستند؛ اما راه خود را با شتاب طی می‌کنند. با وجود مبتکر این روش و تربیت شاگردان فراوان وفادار بدین روش، آینده‌ی روشنی برای رفع مشکلات و کمبودها پیش‌بینی می‌شود.

نتایج تحقیق

۱. بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد از روش تحلیل فهرستی دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد: در یک دیدگاه، روش تحلیل فهرستی، روشی برای بازسازی کتاب معرفی شده که از آثار و فواید جنبی آن اعتبارسنجی حدیث است. در دیدگاهی دیگر، روش تحلیل فهرستی روشی برای ارزیابی روایت است که در آن پس از مصدربابی روایت، اعتبار روایت برابر اعتبار مصدر نزد قلمداد می‌شود. اما:

۲. دیدگاه مختار مؤلفین از روش تحلیل فهرستی این است که این روش به دنبال ارزشیابی حدیث بر پایه‌ی نوشتار است و ویژگی‌های، مبانی و مراحل خاص خود را دارد.

۳. برخی ویژگی‌های روش تحلیل فهرستی عبارتند از: بومی‌سازی و توسعه‌ی روش‌های ارزیابی پیشین، اعتبارسنجی مشکک، موردکاوی در مطالعه‌ی تاریخی و رویکرد واقع‌گرای.

۴. برخی مبانی روش تحلیل فهرستی نیز عبارتند از: نوشتاری بودن بستر انتقال حدیث، وجود قرائن و امکان اکتشاف آنها و دقت به منابع اولیه حدیث و چگونگی انتقال و پالایش تراث به منابع بعدی.

۵. محور اصلی روش تحلیل فهرستی، پیگیری مضمون روایت در بستر تاریخ است.

۶. مراحل اصلی این روش نیز عبارتند از: بررسی رجالی و فهرستی روایت، تحلیل رجالی و پیگیری فضای صدور روایت، جستجوی مضمون روایت در مجموعه‌ی نوشتاری منسوب به

ائمه اطهار (علیهم السلام) و صحابه آنان، بررسی و کاوش مدیریت علمی امامان نسبت در موضوع حدیث، و در نهایت بررسی نحوه‌ی تعامل علمای شیعه در دوره انتقال حدیث به فتوا و فقه مأثور.

کتاب‌نامه:

- آقایی، علی، (۱۳۹۴ش)، *تاریخ‌گذاری حدیث: روش‌ها و نمونه‌ها*، تهران: حکمت.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (بی‌تا)، *لسان العرب*، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۳ش)، *من لا یحضره الفقیه*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- اسماعیلی، محمدعلی؛ احمدی، سیدمحمد مهدی، (۱۳۹۴ش)، «پژوهشی در حجیت ذاتی قطع در علم اصول»، *فصلنامه فقه*، دوره ۲۲، شماره ۸۳، صص ۱۰۳-۱۳۰.
- اکبری، عمیدرضا، (۱۳۹۸ش)، «تحلیلی از گزارش‌های تازه یاب شامی در مورد کاتب نعمانی»، *دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث*، پیاپی ۲۵، دوره ۱۳، صص ۱۰۹-۱۳۷.
- انصاری، حسن، (بی‌تا)، *بررسی‌های تاریخی*، بازیابی از t.me/azbarresihayetarikhi
- ایزدپناه، عباس، (۱۳۷۶ش)، «اثبات صدور حدیث از طریق مضمون شناسی و متن»، *فصلنامه علوم حدیث*، شماره ۴، دوره ۲، صص ۷-۲۹.
- بروجردی، حسین، (۱۴۱۳ق)، *رجال اسانید؛ طبقات رجال: کتاب الکافی للشیخ الكلینی*، تحقیق: حسن نوری همدانی و محمد واعظزاده خراسانی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- بروجردی، حسین، (بی‌تا)، *الرسائل الفقهیه و تلیها رسائل فی الاصول و الرجال*، تحقیق: جواد خندق آبادی، قم: موسسه آیت‌الله العظمی بروجردی.
- پاکتچی، احمد، (۱۳۷۵ش)، «گرایش‌های فقه امامیه در سده دوم و سوم هجری قمری»، *مجله فرهنگستان علوم*، سال ۴، شماره ۳، صص ۱۱-۲۸.
- جواهری، محمد رضا، (۱۳۸۷ش)، *اجتهاد در عصر ائمه معصومین علیهم السلام*، قم: بوستان کتاب.
- حبالله، حیدر، (۲۰۱۷م)، *الحدیث الشریف، حدود المرجعیة و دوائر الاحتجاج*، بیروت: مؤسسه الإنتشار العربی.

- حسنی، سیدحمیدرضا؛ علی‌پور، مهدی، (۱۳۸۵ش)، جایگاه‌شناسی علم اصول گامی به سوی تحول (گزارش، تحلیل و سنجش وضعیت علم اصول)، قم: حوزه علمیه قم.
- حسینی شیرازی، سیدعلی‌رضا، (۱۳۹۷ش)، اعتبار سنجی احادیث شیعه؛ زیر ساخت‌ها، فرایندها، پیامدها، تهران: سمت.
- خدامیان آرانی، مهدی، (۱۳۸۵ش)، آداب امیرالمومنین (علیه السلام) المشهور بحديث الاربعمئة، تحقیق: قاسم‌بن یحیی راشدی، قم: موسسه دارالحدیث‌العلمیه و الثقافیه.
- خدامیان آرانی، مهدی، (۱۳۸۹ش)، فهارس الشیعه، قم: موسسه تراث الشیعه.
- خدامیان آرانی، مهدی، (۱۴۳۰ق)، الصحيح فی فضل الزیارة الرضویة، ویراسته: امیر سلمانی رحیمی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- خدامیان آرانی، مهدی، (۱۴۳۲الف)، الصحيح فی فضل الزیارة الحسینیة، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- خدامیان آرانی، مهدی، (۱۴۳۲ق-ب)، الصحيح فی البكاء الحسینی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، بیروت: دار الشامیه.
- رحمان ستایش، محمدکاظم، (۱۳۸۴ش)، باز شناسی منابع اصلی رجال شیعه، قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
- سبحانی تبریزی، جعفر، (۱۴۱۹ق)، اصول الحدیث و احکامه فی علم الدرایه، قم: موسسه امام صادق.
- سرخئی، احسان، (۱۳۹۴ش)، اعتبار سنجی روایات شیعه بر پایه ارزیابی منابع مکتوب (تا قرن پنجم هجری)، قم: حوزه علمیه قم، پایان‌نامه سطح ۴.
- سیستانی، سید علی، (۱۴۴۱ق)، تدوین الحدیث، تحقیق: سید محمد علی ربانی، بی‌جا: بی‌نا.
- سیستانی، سید علی، (بی‌تا-الف)، تعارض الأدلة و اختلاف الحدیث، تحقیق: سید هاشم هاشمی، بی‌جا: بی‌نا.
- سیستانی، سید علی، (بی‌تا-ب)، مباحث رجالیة، تحقیق: سید مرتضی مهری، بی‌جا: بی‌نا.

- صفا، وحید، (۱۳۹۹ش)، «عوامل ایجاد اختلاف نسخه در میان اصول و مصنّفات متقدّم امامیه»، *دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث*، سال ۱۳، شماره ۲۶، صص ۱۹۳-۲۱۸.
- صفاریان همدانی، علیرضا؛ نا صح، علی احمد؛ دیاری بیدگلی، محمدتقی، (۱۳۹۹ش)، «نظریه تحلیل فهرستی احادیث؛ چیستی و ابهامات»، *مطالعات فهم حدیث*، پیاپی ۱۳، دوره ۷، صص ۲۴۹-۲۷۱.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۶۵ش)، *تهذیب الأحکام*، تحقیق: حسن خراسان، علی آخوندی و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، *الفهرست*، تحقیق: محمد صادق بحر العلوم، قم: مکتبه المرتضویه.
- عزیزپور، حسین، (۱۳۹۷ش)، «اعتبارسنجی احادیث به روش «تحلیل فهرستی» کاربردها و خصائص»، در *بازشناخت مبانی اصالت میراث حدیثی امامیه، واکاوی اصالت میراث حدیث شیعه*، تهران: دلیل ما.
- عمادی حائری، سید محمد، (۱۳۸۴ش)، «نقد حدیث: کتابشناسی و متن پژوهی»، *فصلنامه علوم حدیث*، جلدهای ۳۵-۳۶، شماره ۱۰، صص ۵۲-۶۹.
- عمادی حائری، سید محمد، (۱۳۸۸ش)، *بازسازی متون کهن حدیث شیعه: روش، تحلیل، نمونه*، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- فرامرزی قراملکی، احد، (۱۳۸۷ش)، *روش شناسی مطالعات دینی (تحریری نو)*، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- فرجپور، حامد، (۱۳۹۷ش)، «بازشناخت مبانی اصالت میراث حدیثی امامیه»: در *مجموعه مقالات همایش «واکاوی اصالت میراث حدیثی شیعه»*، تهران: دلیل ما.
- فقهی زاده، عبدالهادی؛ بشیری، مجید، (۱۳۹۶ش)، «بررسی مبانی رجالی علامه شوشتری در قاموس الرجال»، *دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث*، دوره ۱۰، پیاپی ۲۰، صص ۶۹-۹۰.
- فولادزاده، وحید، (۱۳۹۸ش)، *مطالعه نقدی تبیین فهرستی در اعتبارسنجی احادیث*، قم: حوزه علمیه قم، پایان نامه سطح ۴.

- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۳ش)، *الکافی*، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۷ش)، *الکافی*، تحقیق: محمدحسین درایتی، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- مددی، سید احمد، (۱۳۹۳ش)، *نگاهی به دریا*، قم: موسسه کتابشناسی شیعه.
- معصومی همدانی، حسین، (۱۳۸۵ش)، «تحلیل و ترکیب»، *دایره المعارف بزرگ اسلامی*، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- معین، محمد، (۱۳۵۳)، *فرهنگ فارسی*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مقیم، سیدمحمد، (۱۳۸۶)، «روش موردکاوی و کاربردهای آن در علوم انسانی»، *دوفصلنامه روش شناسی علوم انسانی*، دوره ۱۳، شماره ۵۰، ص ۷۱-۱۰۲.
- ملکیان، محمدباقر، (بی‌تا)، *دراسات فی مبانی علم الرجال*، بازیابی از t.me/derasatfielmrejal
- موتسکی، هارالد؛ کریمی‌نیا، مرتضی، (۱۳۹۰)، *حدیث اسلامی خاستگاه‌ها و سیر تطور*، قم: دارالحدیث.
- میرزایی، احمد، (۱۳۹۷)، *بررسی روایات به روش فهرستی*، مشهد: موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام.
- نجاشی، احمد بن علی، (۱۳۶۵)، *رجال النجاشی*، تحقیق: موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسه النشر الإسلامية.
- نجاشی، احمد بن علی، (۱۳۹۴)، *رجال النجاشی: (فهرست اسماء مصنفی الشیعه)*، محمدباقر ملکیان، قم: موسسه بوستان کتاب.

Bibliography:

- Akbari, amidreza. (1398 SH). tahlili az gozareshai-i taze-yab shami dar mored katib nomani. motaleat quran va hadith, 109-137.
- alsahih fi fazl al-ziyārah al-Ḥusaynīyah. (1432 SH). Mashhad: islamic research foundation.
- Ansari, hasan. (n.d.). barresihay-i tarikhi. Retrieved from t.me/azbarresihayetarikhi
- Āqā'ī. Sayyid 'Alī. (1394 SH). Tārīkh gozari-i ḥadīṣ. tehran: Intishārāt-i Ḥikmat.
- azizpour, hosain. (1397 SH). i'tibār-sanji ahadith be raveshtahlil fehrestī karbordha va khasais. TEHRAN: Dalīl-i Mā.
- Bibliographical Analysis Theory of Hadiths, Quiddity and Ambiguities. (Summer and Autumn 2020). studies on understanding hadith, 249-271.
- Burūjirdī, Ḥusayn. (1413 AH). rijal asanid kitab alkafi. mashhad iran: Āstān-i Quds-i Razavī.
- Burūjirdī, Ḥusayn. (n.d.). alrasail alfiqhiya va taliha rasail fi ahosool va alrijal. qum: moasse ayatolah Burūjirdī.
- faraj-poor, hamid. (1397 SH). baz-shenakht mabani asalat mirath hadith imamiye. TEHRAN: Dalīl-i Mā.
- feghhizadeh, AbdolHadi ;Bashiri, Majid. (Summer and Autumn 2017). Study of Allameh Shoostari's ridjal principals in Qamoos Alredjal. Quran and Hadith Studies, 69-90.
- fooladzade, vahid. (1398 SH). motale'-i naghdi tabiyn fehrestī dar e'tebar-sanji ahadith. QUM: Ḥawzah-i 'Ilmīyah-i Qum.
- HasaniT, seyed hamid reza; 'Alīpūr, mahdi. (1385 SH). jaygah-shenasi ilme osool gami be sooye tahavol. Qum: Ḥawzah-i 'Ilmīyah-i Qum.
- Ḥubb Allāh, Ḥaydar. (2017). al-Ḥadīth alsharif, hodood almarjeyya va davair alihtejjaj. Bayrūt : Mu'assasat al-Intishār al-'Arabī.
- Ḥusaynī, Sayyid 'Alī Rizā. (2018). validating the shi'ite hadith. tehran: Sāzmān-i Muṭāla'ah va Tadvīn-i Kutub-i 'Ulūm-i Insānī-i Dānishgāh'hā (Simat).
- Ibn Bābawayh al-Qummī, Muḥammad ibn 'Alī. (1363 SH). Man lā yaḥduruhu al-faqīh. Qum: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī.
- Ibn Manzūr, Muḥammad ibn Mukarram. (n.d.). Lisān al-'Arab. Bayrūt: Dār al-Fikr.
- 'Imādī Ḥā'irī, Muḥammad. (1384 SH). naqd-i ḥadīṣ: ketabshenasi va matn-pajhoohi. 'ulūm-i ḥadīṣ, 52-69.
- 'Imādī Ḥā'irī, Muḥammad. (1388 SH). reconstruction of early shi'i hadith texts method, analysis, samples. tehran: Kitābkhānah, Mūzih va Markaz-i Asnād-i Majlis-i Shūrā-yi Islāmī.



- ismaili, mohamma ali; ahmadi, seyed mohamad mehdi. (1394 SH).
pajhoheshi dar hojjeiat zati ghat dar ilm osool. faslname figh, 103-130.
izadpanah, abbas. (1376 SH). isbate sodoor hadith az tarigh mazmoon-shinasi
va matn. oloome hadith, 7-29.
- Javāhirī, Muḥammad Rizā. (1387 SH). Ijtihād dar ‘aṣr-i a’immah-i
Ma‘šūmīn. Qum: Būstān-i Kitāb-i Qum.
- Khuddāmiyān al-Ārānī, Mahdī. (1385 SH). ada'b amir-almo'menin. QUM:
Mu'assasah-i Dār al-Ḥadīṣ Alilmiya.
- Khuddāmiyān al-Ārānī, Mahdī. (1389 SH). Fahāris al-Shī‘ah. Qum:
Mu'assasat Turāth al-Shī‘ah.
- Khuddāmiyān al-Ārānī, Mahdī. (1430 SH). alsahih fi fazl al-ziyārah
alrazavi'ia. MASHHAD: Islamic research foundation.
- Khuddāmiyān al-Ārānī, Mahdī. (1432 SH). alsahih fi alvoka' alhosaini.
MASHHAD: islamic research foundation.
- Kulaynī, Muḥammad ibn Ya‘qūb. (1363 SH). al-Kāfī . tehran: Dār al-Kutub
al-Islāmiyah.
- Kulaynī, Muḥammad ibn Ya‘qūb. (1387 SH). alkafī. qum: Dār al-Ḥadīth.
- madadi. sayyid ahmad. (2014). a glance at the sea. qom, iran: shia bio-
bibliographical institue.
- malekian, mohammad bagher. (n.d.). derasan fi mabani ilm alrijal. Retrieved
from t.me/derasatfielmrejal
- ma'sumi hamedani, hosain. (1385). tahlil va tarkib. tehran: Centre for the
Great Islamic Encyclopaedia.
- Mirzaei, ahmad. (1397 sh). baresi rivaiat be ravesh'e fehrestī. MASHHAD:
moasese motalea't rahbordi.
- Moghimi, Mohammad. (Spring 2007). Case Study Methodology and its
Applications in Social Sciences. Methodology of Social Sciences and
Humanities, 71-102.
- motzki, harald; . (1390 SH). dating muslim traditions: a survey. In m. karimi-
nia, hadīth-e islami khistgah-ha va seir tat'avor (pp. 15-79). QOM: Dār
al-Ḥadīth.
- Mu‘īn, Muḥammad. (1353 SH). Farhang-i Fārsī. tehran: Intishārāt-i Amīr-i
Kabīr.
- Najāshī. ahmad ibn ali. (1365 SH). rijal alnajashi. qom: Mu'assasat al-Nashr
al-Islāmī.
- Najāshī. ahmad ibn ali. (1394 SH). rijal alnajashi. qom: Būstān-i Kitāb.
- Pākatchī, Aḥmad. (1375 SH). gerayesh-hay-i fiqhe imamiye dar sade dovom
va sevom hijri ghamari. frhangestan oloom, 11-28.
- Qarāmalikī, Aḥad Farāmarz. (1387 SH). Ravish'shināsī-i muṭāla‘āt-i dīnī.
mashhad: daneshgah oloom islami razavi.

- Rāghib al-Iṣfahānī, Abū al-Qāsim al-Ḥusayn ibn Muḥammad. (1412 SH). Mufradāt alfāz al-Qur‘ān. Bayrūt : al-Dār al-Shāmīyah.
- Raḥmān Sitāyish, Muḥammad Kāzīm. (1384 SH). bazshenashi manabi' asli' rijal shi'e. QUM: Intishārāt-i Dār al-Ḥadīṣ.
- Sīstānī, seyyed ‘Alī . (1441 AH). tadvin alhadis.
- Sīstānī, seyyed ‘Alī . (n.d.). Ta‘āruḟ aladela va ikhtelaf alhadis.
- Sīstānī, seyyed ‘Alī. (n.d.). mabahith rijaliya.
- Subḥānī, Ja‘far. (1419 AH). uṣūl al-ḥadīth va ahkamoh. QUM: Mu‘assasah-i Imām Ṣādiq.
- surkhah‘i, ihsan. (1394 SH). i‘tibār-sanji rivayat shi'a' bar payeie manabi' maktoob. QUM: Ḥawzah-i ‘Ilmiyah-i Qum.
- Ṭūsī, Muḥammad ibn al-Ḥasan. (1365 SH). Tahdhīb al-aḥkām. tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyah.
- Ṭūsī, Muḥammad ibn al-Ḥasan. (n.d.). alfihrst. qum: al-Maktabah al-Murtaḍawīyah.
- Vahid, Safa. (2020). The Causes of Difference in Versions of an Early Imamiyyah's Hadith Book. Quran and Hadith Studies, 193-218.